

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عرض کردیم که اگر شخص روزه دار عمداً قی کند روزه اش باطل می شود و باید آن را قضا کند و گفتیم که روایات مربوط به این موضوع در باب ۲۹ از ابواب مایمسک عنه الصائم ذکر شده است که اغلب آنها از لحاظ سند صحیح هستند منتهی در میان ۱۰ خبری که در این باب آمده است در خبر ۸ و ۹ مطلبی برخلاف آنچه که گفتیم بیان شده است که ما باید از آنها جواب بدهیم . تا خبر ۴ از کلینی نقل شده است و از خبر ۵ به بعد از شیخ طوسی نقل شده است ، خوب و اما خبر پنجم از این باب ۲۹ این خبر است : « محمد بن الحسن باسناده ، عن محمد بن علی بن محبوب ، عن محمد بن الحسين عن عثمان بن عیسی ، عن سماعة قال: سألته عن القی فی رمضان ؟ فقال : إن كان شیء یبدره فلا بأس ، وإن كان شیء یكره نفسه علیه أفطر وعليه القضاء ... الحديث » . اسناد شیخ به ابن محبوب قمی صحیح می باشد و عثمان بن عیسی واقفی است ولی ثقہ می باشد فلذا خبر از جهت او موثق می باشد ، و بدر یبدر ای یسبقه یعنی اگر قی کردن بدون اختیار صورت بگیرد فلا بأس ولی اگر خودش عمداً قی کند روزه اش باطل است و قضا هم دارد . خبر ششم از باب ۲۹ این خبر است : « وباسناده عن علی بن الحسين ، عن هارون بن مسلم ، عن مسعدة بن صدقة ، عن أبي عبدالله ، عن أبيه (ع) أنه قال: من تقياً متعمداً و هو صائم فقد أفطر و عليه الإعادة فإن شاء الله عذبه، وإن شاء غفرله ، وقال: من تقياً و هو صائم فعليه القضاء » . علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی همان بابویه قمی معروف است که در قم مدفون می باشد و بقیه هم ثقہ هستند ، و این خبر هم دلالت دارد براینکه اگر عمداً قی کند روزه اش باطل است و باید قضا هم کند ، و در آخر روایت گفته شده ؛ فإن شاء الله عذبه وإن

شاء غفرله : مراد از این عبارت این است که كفاره ندارد . خبر هفتم باب این خبر است : « وعنه ، عن محمد واحمد ابني الحسن ، عن أبيهما ، عن عبدالله بن بكير ، عن بعض أصحابنا ، عن أبي عبدالله (ع) قال : من تقياً متعمداً و هو صائم قضی يوماً مكانه » . عنه ؛ یعنی شیخ طوسی از محمد و احمد که هر دو فرزند حسن بن علی بن فضال هستند نقل می کند که همه آنها فطحی المذهب هستند ولی ثقہ می باشند و عبدالله بن بکیر هم فطحی المذهب می باشد ولی ثقہ است فلذا خبر موثق می باشد ، از حضرت عسگری (ع) درباره بنی فضال سؤال شد که اینها محدثین بزرگی هستند ولی فطحی المذهب اند ما در مواجهه با کتب آنها چکار کنیم در حالی که خانه های ما پر است از کتب آنها ؟ حضرت فرمودند روایتهای آنها را اخذ کنید ولی آنچه که رأی و فتوای آنهاست ترک کنید ، خلاصه اینکه در این روایت هم گفته شده اگر عمداً قی کند روزه اش باطل است . و اما خبر هشتم از باب ۲۹ این خبر است : « وباسناده عن الحسين بن سعيد ، عن حماد ، عن عبدالله بن ميمون ، عن أبي عبدالله ، عن أبيه (ع) قال : ثلاثة لا يفطرن الصائم : القی ، والاحتلام ، والحجامة... الحديث » . این حدیث سنداً صحیح می باشد ولی برخلاف روایات دیگری است که تا به حالا خوانده ایم پس باید فکری به حال این حدیث بکنیم فلذا می گوئیم که مراد از این روایت قی کردن غیر عمدی است و جز این دیگر راهی برای توجیه این روایت نداریم و از طرفی حمل بر تقيه هم ممکن نیست زیرا سنی ها هم مثل ما حکم کرده اند ، فلذا صاحب وسائل هم فرموده است ؛ أقول : هذا محمول علی من ذرعه القی لما سبق . خبر نهم از باب ۲۹ این خبر است : « وباسناده عن محمد بن احمد بن يحيى ، عن محمد بن عیسی ، عن ابن محبوب عن عبدالله بن سنان قال : سئل أبو عبدالله (ع) عن الرجل الصائم یقلس فیخرج منه الشيء من الطعام ، أیظره ذلك ؟ قال : لا ، قلت : فإن ازدرده بعد أن صار علی لسانه قال

: لا یفطره ذلک . این خبر هم سنداً صحیح است ولی برخلاف آنچه که تا به حال گفتیم دلالت دارد و می گوید **یقلس** یعنی بادگلو مبطل صوم نیست و اگر بعد از اینکه بادگلو زد و چیزی به دهانش آمد **إزدرده** یعنی آن را جوید و فرو برد باز هم مبطل نیست این روایت مهم است و مورد بحث می باشد فلذا صاحب عروة در اولین مسئله از مسائل تعمد القی به سراغ همین مطلب رفته و درباره آن بحث کرده و گفته است که اگر شخصی بادگلو زد و چیزی به دهانش آمد جایز نیست آن را فرو ببرد زیرا اکل در اینجا صدق می کند چونکه اکل یعنی فروبردن چیزی که در فضای دهان است خواه از خارج آمده باشد یا اینکه از معده جوشیده باشد و به بالا آمده باشد ، و بعد صاحب عروة می فرمایند که وقتی فرو برد هم قضا دارد و هم کفاره و حتی در اینجا می توان گفت که کفاره جمع دارد زیرا این جزء خیائث می باشد و خیائث هم حرام هستند و کفاره افطار به خیائث کفاره جمع می باشد ، فلذا ما باید این روایت را توجیه کنیم و بعد ببینیم آیا حرف صاحب عروة صحیح است یا نه که می ماند برای شنبه إن شاء الله. خوب امروز چهارشنبه است و ما چند هفته است درباره روایتی که در آن امام صادق (ع) از یکی از شاگردانش سؤال پرسیده بحث می کنیم . . .

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

